

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا دعای ما قبول نمی‌شود!؟

(ترجمه)

وَعَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:
«إِنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ» ثُمَّ قَرَأَ: [وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ] [المؤمن: ٦٠]

(رواه أبوداود والترمذي وقالاحديث حسن صحيح)

ترجمه: از نعمان ابن بشیر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: دعا خود عبادت است. سپس این آیه را تلاوت نمود: و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا برای تان اجابت کنم.

توضیح حدیث

اطلاق عبادت در جای دعا دال بر این است که دعا عبادت است، زیرا الله سبحانه و تعالی کلمه (عِبَادَتِي) را بعد از (ادْعُونِي) ذکر نموده طوری که فرموده است:

[وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ] [غافر: ٦٠]

ترجمه: و پروردگارتان فرمود که مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را به درستی کسانی که از عبادت من استکبار می‌ورزند به زدودی با ذلت داخل جهنم خواهند شد.

پس دعا عبادت است و الله متعال همان بنده‌اش را دوست دارد که به او تعالی دعا کند و در دعایش با الحاح و زاری اصرار می‌نماید، طوری که در حدیث بیان شده: از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

[إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُلْحِينَ فِي الدُّعَاءِ] (الدعاء للطبراني (٢٠/٢٨)، (٢/٧٩٤)

ترجمه: الله متعال الحاح و زاری و اصرار کننده گان در دعا را دوست دارد.

بنابراین عدم دعا استکبار محسوب می‌شود و تحت آیت (سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) یعنی خوار و ذلیل داخل دوزخ می‌شود، لیکن هرگاه مسلمانان عبادت صحیح را فراموش کردند، جوهر دعا مفقود گردید، از این جهت می‌بینیم که بسیاری از خطباء و علماء در منابر مساجد برای غلبه بر دشمنان اسلام دعا می‌کنند؛ در حالی که خودشان در گناه سکوت در برابر حکم بغیر ما انزل الله گرفتار اند. بیشتر از (٩٠) نود سال می‌شود که دعا می‌کنند؛ لیکن حالت امت اسلامی تغییر نکرده در حالی که الله متعال دست بنده‌اش را خالی نمی‌گذارد؟

پس جواب این مطلب در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم واضحاً بیان شده است:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيُؤَشِّكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ، ثُمَّ تَدْعُوهُ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (رواه الترمذي وقال: حديث حسن)

ترجمه: از حذیفه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: سوگند بذاتی که نفسم در حیطة قدرت اوست، همانا به کارهای پسندیده امر نموده و از کارهای ناپسند منع می‌کنید. یا نزدیک است که الله متعال بر شما عذابی از نزد خویش بفرستد و سپس او را بخوانید و او دعای شما را اجابت نکند.

عده ای از مردم هستند که از یک طرف به الله متعال دعا می‌کنند و از سوی دیگر به عوض امر به معروف و نهی از منکر، به حمد حکام (ظالم، فاسق یا کافر) تسیح می‌گویند... لازم است که علما در این جا سکوت اختیار نکنند، حکام ظالم را امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ اگرچه کشته شوند؛ لیکن نزد الله متعال درجات عالی دارند؛ طوری که در حدیث شریف آمده :

«سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ حَمَزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَرَجُلٌ قَامَ إِلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَأَمَرَهُ وَنَهَاها فَقَتَلَهُ» (رواه الحاكم علي شرط الصحيحين)

ترجمه: سید الشهداء حمزه بن عبدالمطلب است و همچنین مردی که در مقابل فرمانروای ستمگر قیام کند و او را امر و نهی نماید و فرمانروا او را بکشد.